**جزیره کیش**

**مازندرانی، ع.وحید**

فرهنگ جغرافیائی خلیج فارس،عمان و عربستان مرکزی،تألیف لوریمر1که طبع‏ و انتشار آن از سال 1904 در شهر کلکته آغاز شده بود و تا سال 1915 میلادی در شش جلد، دو جلد آن حاوی اطلاعات بسیط جغرافیائی و نقشه‏ها و آمار و چهار جلد دیگر شامل مطالب‏ تاریخی بخصوص در باب تاریخ سیاسی ایران از دورهء کریم خان زند تا اواخر قاجاریه است، راجع به جزیره کیش Qais)-قیس)مینویسد:طول این جزیره از غرب به شرق تقریبا ده میل‏ و عرض آن چهار میل و نیم است،120 پا از سطح دریا ارتفاع دارد،سواحل آن شنی، و در بعضی جاها توام با دماغه‏های سنگی است.این جزیره در اواخر قرن نوزدهم میلادی‏ تقریبا 450 خانه مسکونی و بالغ بر 2000 نفر جمعیت داشته و در تابستان تعداد سکنهء آنجا افزایش می‏یافته است زیرا که از نقاط ساحلی جنوب ایران و حدود عربستان عده‏ای به کیش‏ میرفته‏اند.از کرانه‏های این جزیره مروارید صید میشود مگر در قسمت شرقی آن محلی است‏ به نام ماشه و در پیشرفتگی این ناحیه در آب که سرماشه یا ممزر می‏نامند،در گوشه شمال‏ شرقی جزیره با کندن سه چهار وجب خاک،به آب شیرین میرسند.ماشه مرکز عمده خرید و فروش مروارید بوده است.

بنابر فرمانی که ناصر الدین شاه در سال 1878 صادر کرده بود این جزیره را به پاس‏ خدماتی که علی محمد خان قوام الملک شیرازی در منطقه خلیج فارس انجام داده بود به خانواده‏ او مرحمت نمود و ایشان هر ساله 800 تومان بابت حق صید مروارید از آن جزیره دریافت‏ میداشته‏اند.آثار خرابه‏های شهر اسلامی قیس یا حریره در این جزیره در ساحل شمالی آن‏ تا حدود نیم میل بین دهات ده و سفیل دیده میشود.البته این ویرانه‏ها به اندازهء خرابه‏های‏ سیراف،در جوار بندر طاهری جالب توجه نیست.تا پنجاه سال پیش(در نیمه قرن نوزدهم) مسجدی با یک مناره در این جزیره بوده است و نشانه‏های چند آب‏انبار نیز در آنجا دیده میشود.2

در فرهنگ جغرافیائی جهان‏3چاپ امریکا،صفحهء 1538،راجع به جزیره‏ (1)- by:j.G.Lormer. the gazetteer of the Persian Gulf.Oman and Central Arabia

(این مجموعه از روی نسخه اصلی که در کتابخانه دیوان هند در لندن بوده است به سال‏ 1970 تجدید چاپ افست شده است.)

(2)-از جلد دوم فرهنگ جغرافیائی لوریمر صفحات 1471-1474

(3)- the Columbia Liroincott gazetteer of the World.edition 1961.

کیش شرح مختصر زیر درج شده است:کیش در خلیج فارس نزدیک سواحل ایران در پنجاه‏ میلی جنوب بندر لنگه واقع شده است طولش نه میل و پهنا چهار میل است.در سال 1941 تقریبا 1500 نفر جمعیت داشته،زراعت،ماهیگیری و صید مروارید پیشه عمدهء اهالی‏ آنجاست.کیش بین قرون 11 و 14 میلادی کانون مهم تجارتی خلیج فارس به شمار میرفته، بعدا پیشرفت و جنب‏وجوش بندر هرمز سبب شکست کار این جزیره شده است.» مارکوس ناتان ادلر در ترجمه سفرنامه ممتاز بنیامین تودلائی(اسپانیائی)در حاشیه صفحهء 62 نوشته است که جزیره کیش از سال 1820 تا 1879 در دست نیروی دریائی انگلستان‏ بود و لرد کرزن نایب السلطنه هندوستان در ژانویه 1904 ضمن مسافرت رسمی در سراسر خلیج فارس به آنجا هم رفته است.و نوشت هرگاه خواننده شرح بیشتری راجع به آن جزیره‏ طالب باشد به مقالهء روزنامه تایمز شماره 18 ژانویه 1904 مراجعه کند».این جانب در سفر اخیر به آن دیار به کتابخانه بسیار مجهز روزنامه تایمز در عمارت جدید آن مراجعه و با همکاری بی‏دریغ سرپرست آرشیو روزنامه مزبور از مقالهء مفصل موردنظر فتوکپی تهیه کرده است. از ملاحظه مندرجات این مقاله روشن شد که شادروان ادلر مترجم سفرنامه ربی- بنیامین جزیره کیش را با قشم Kishm اشتباه کرده و آن دو واحد جداگانه را یکی پنداشته‏ بود و نیز معلوم شد که عالیجناب نایب السلطنه به جزیرهء قشم رفته بود نه کیش و راجع به جزیره‏ قشم هم خلاصه شرح 18 ژانویه 1904 روزنامهء تایمز در زیر ملاحظه میشود«این جزیره چنانکه‏ اهالی آنجاست بدرستی می‏نامند«جزیره طویل»بوسیلهء تنگ باریک و سخت‏گذری با طول شصت‏ میل بین بندر عباس و لنگه از سرزمین ایران جدا شده است.آنجا دیر زمانی پیش هنگام مبارزه‏ با راهزنان دریائی که مقابل آنجا در سواحل عربستان لانه داشتند پایگاه دریائی انگلستان‏ بود.گرمای طاقت‏فرسا و کمیابی آب سرانجام موجب رها کردن این پایگاه شد و بطوریکه‏ وضع صخره‏های آن از دور در دریا نشان میدهد دیگر مثل دوره نثارخوس(دریادار اسکندر مقدونی)و آریانوس(تاریخ‏نگار اسکندر)و یا حتی دوران تصرف پرتغالیها انواع محصولات‏ و یا بطوریکه نوشته‏اند ذرت و میوه‏جات و بخصوص انگورهای لذیذ ندارد ولی خالی از خاک‏ حاصلخیز نیست و همین کشتزارهای محدود آذوقه اهالی قشم را که در آن موقع تقریبا 12 هزار نفر بوده‏اند فراهم میساخته است.

شرح بیشتر مندرجات مقاله مذکور که جنبهء سیاسی دارد دربارهء مختل و منتفی شده‏ سفر لرد کرزن به بوشهر و بن‏بست سیاسی مهمی است که در قبال توقعات بیش از اندازهء مسافر مغرور و رفتار شهامت‏آمیز متقابل علاء الدوله والی فارس(پدر جان محمد خان)پیش آمده بود، به فرصت دیگری موکول میشود.

دربارهء جزیرهء کیش آقای وایت هوس که چند سال پیش از طرف دستگاه باستان‏ شناسی انگلستان اکتشاف شایان توجهی در سیراف نزدیک بندر طاهری کنونی در استان فارس‏ کرده است در شماره سال جاری نشریهء وزین مؤسسهء ایرانشناسی بریتانیا مینویسد:پس از سقوط بندر سیراف جزیرهء کیش که در 200 کیلومتری جنوب آنجا واقع است مرکز عمدهء تجارت‏ بین المللی شد.تاریخ این جزیره چندان روشن نیست.فرمانروایان محلی در قرن یازدهم میلادی بوسیله راهزنی دریائی بساط حکومت فراهم ساخته بودند.در سال 529 هـ.ق(1135 میلادی)جهازات دریائی ایشان به حدی افزایش یافته بود که به عدن تاختند.ادریسی‏ نویسندهء شهیر در سنهء550 هـ.ق ادعا کرده است که امیر جزیرهء کیش جهازاتی شامل پنجاه‏ «مشیعات»که هریک از آنها دارای تقریبا 27 متر طول و ظرفیت حمل 200 نفر بود،داشت. همین نویسنده می‏افزاید امیر آنجا به سواحل افریقا نیر می‏تاخته و هندیان همواره از ناحیهء او واهمه داشتند.

این جزیره ثروتمند چنانکه ربی بنیامین بعد از سفری به آنجا نقل کرده است‏1 باغهای فراوان داشت و بیشتر سکنه آنجا هندیان و یهودیان بودند و به صید مروارید اشتغال‏ داشتند و در بازار کیش انواع کالا از قبیل ادویه هندی،پارچه‏های ابریشمی و نخی و کنف وجود داشتند و در بازار کیش انواع کالا از قبیل ادویه هندی،پارچه‏های ابریشمی و نخی و کنف وجود داشت.در سال 626 هـ.ق کیش به تصرف حاکم هرمز که در آن دوره برجسته‏ترین شهر خلیج فارس‏ بود درآمد.بعد از 693 هجری قمری جزیره کیش مدت کوتاهی رونق و شهرتی بیش از اندازه‏ یافت و آن در زمان جمال الدین طیبی ایلخانی،حاکم فارس‏بود،شبانکاره(؟)نویسنده‏ای در قرن چهاردهم میلادی جمال الدین نامبرده را اولین سلطان جزیرهء کیش دانسته است.

ابو فداء(672-733 هـ.ق)که در دوره تجدید رونق کیش چند بار به آن جزیره‏ سفر کرده است از هوش و فهم اهالی آنجا و صید مروارید و باغها و درختان خرما،از نوع‏ هزار دینار بوده است و حاجت به بیان نیست که کیش بندر عمدهء ایلخانان فارس به شمار میرفته است.چند سال پیش سکه‏های طلا به وزن نه گرم و نیم در کیش کشف شده است که در زمان‏ ایلخانان و سلطنت الجایتو(سلطان محمد خدابنده)به سال 710 هجری در همانجا ضرب‏ شده بود و این خود گواهی بر ثروتمندی سابق این جزیره است.اما تجدید رونق جزیره‏ کیش چندان دوام نداشت و در سال 721 هجری قمری جزیره بار دیگر بدست حاکم هرمز تهمتن ثانی تصرف شد و سپس برای همیشه از اوج آبادانی و اعتبار فرو افتاد.

 (1)-شماره تیرماه مجله یغما